



3

Vol. 9
Autumn 2024

Research Paper

Received:
17 May 2024
Revised:
24 June 2024
Accepted:
03 August 2024
Published:
21 November 2024
P.P: 59-84ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450

State Studies of Contemporary Iran

The Foreign Policy Of The Government Of The Islamic Republic Of Iran From The Perspective Of New Institutionalism (Case Study: Iran-US Nuclear Conflict)Hossein Mohammadi Siret¹ | Seyyed Reza Moayedi^{2*} | Seyed Khalil Mortazavi³**Abstract**

Iran's nuclear program has been an international issue and a protracted dispute between Iran and global powers led by the United States since the early 2000s. The sheer volume of propaganda, exaggerations, reports, research, statements, and resolutions issued in this area indicates the level of sensitivity that exists towards this issue and its overt and covert dimensions. The Iran nuclear dispute has been studied by researchers and experts from various angles, but one of the less explored aspects is the identity and meaning aspects, the ideas and norms involved in this process. The present research seeks to focus on this aspect of the mentioned phenomenon by employing the documentary method and library studies and emphasizing the new institutionalist approach as a theoretical framework, and to answer the main question of "Why has the Iran nuclear dispute persisted and the case not closed to this day?" The findings of the research indicate that the type of narratives, meaning and thought systems, and especially ideas, play a special role in shaping behaviors and, consequently, political developments; in such a way that specific events and historical turning points lead to the production or reinforcement of specific ideas, and ideas, after becoming institutionalized, direct political behaviors towards their own specific direction. On this basis, the persistence of the Iran-US nuclear dispute can be analyzed.

Keywords: Ideas and Norms, Iran-US Conflict, New Institutionalism, Nuclear Program, Political Behavior.

1. Assistant Professor, Islamic Studies And Political Sciences, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran.
2. Corresponding Author: Ph. D Student Of Political Thought, Shahid Behesht University, Tehran, Iran.
srmoyedi1378@gmail.com
3. Master's Student Of Islamic Studies and Political Sciences, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran

Cite this Paper: Mohammadi Siret, H & Moayedi, S.R & Mortazvi, S.K (2024). The Foreign Policy Of The Government Of The Islamic Republic Of Iran From The Perspective Of New Institutionalism (Case Study: Iran-US Nuclear Conflict). *State Studies of Contemporary Iran*, 3(9), 59–84.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران از منظر نهادگرایی نوین (مطالعه موردی: منازعه هسته‌ای ایران و آمریکا)

حسین محمدی سیرت^۱ | سید رضا مؤیدی*^۲ | سید خلیل مرتضوی^۳

چکیده

برنامه هسته‌ای ایران از اوایل دهه ۸۰ تا کنون، به یک پرونده بین‌المللی و منازعه دامنه‌دار بین ایران و قدرت‌های جهانی به سرمداری ایالات متحده تبدیل شده است. حجم انبوه تبلیغات، بزرگنمایی‌ها، گزارش‌ها، پژوهش‌ها، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های صادر شده در این حوزه، نشان‌دهنده میزان حساسیتی است که نسبت به این موضوع و ابعاد پیدا و پنهان آن وجود دارد. مناقشه هسته‌ای ایران توسط پژوهشگران و صاحب‌نظران از زوایای گوناگونی مورد مطالعه قرار گرفته است، اما از جمله وجوهی که کمتر بدان پرداخته شده است، جنبه انگاره‌ها و هنجارهای درگیر در این جریان است. پژوهش حاضر تلاش دارد با کاربست روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای و نیز با تأکید بر رهیافت نهادگرایی نوین به مثابه چارچوب نظری، بر روی همین جنبه از پدیده مورد اشاره تمرکز کند و به این سوال اصلی پاسخ دهد که «چرا منازعه هسته‌ای ایران تا امروز استمرار یافته و پرونده بسته نشده است؟» یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که انگاره‌ها سهم ویژه‌ای در شکل‌دهی به رفتارها و در نتیجه، تحولات سیاسی دارند، به این صورت که رویدادهای خاص و نقاط عطف تاریخی موجب می‌شود انگاره‌های ویژه‌ای تولید یا تقویت گردند و انگاره‌ها نیز پس از نهادینه شدن، رفتارهای سیاسی را به سمت و سوی خاص خود، جهت می‌دهند. بر این اساس، استمرار منازعه هسته‌ای ایران و آمریکا قابل تحلیل است. کلیدواژه‌ها: انگاره‌ها و هنجارها، برنامه هسته‌ای، رفتار سیاسی، سیاست خارجی، منازعه ایران و آمریکا، نهادگرایی نوین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه مسائل ایران و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشگاه شهید بهشت، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

استناد: محمدی سیرت، حسین و مؤیدی، سید رضا و مرتضوی، سید خلصل (۱۴۰۳). سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران از منظر نهادگرایی نوین (مطالعه موردی: منازعه هسته‌ای ایران و آمریکا)، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۳(۹)، ۸۴-۵۹.

DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27831914.1403.10.3.3.4>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندهگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

در حدود دو دهه گذشته، پرونده هسته‌ای ایران به یکی از مسائل پیچیده و بغرنج بین‌المللی تبدیل شده است که با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه بوده است. این پرونده از ابتدا رنگ و بوی امنیتی به خود گرفت و با همین روند نیز، تداوم یافت؛ چرا که «مسئله‌سازی» از آن، اساساً با یک جنجال پر سروصدای رسانه‌ای آغاز شد و گروهی موسوم به شورای ملی مقاومت ایران، با انتشار گزارشی در رابطه با تأسیسات هسته‌ای نطنز و تأسیسات آب‌سنگین اراک، مدعی تحرکات مشکوک جمهوری اسلامی در زمینه اتمی شد. در این میان، یکی از مسائلی که ذهن بسیاری از پژوهشگران را به خود مشغول ساخته است، چرایی پافشاری و سماجت ایران بر مواضع خود در این پرونده و عدم عقب‌نشینی جدی از تلاش برای حفظ و ارتقاء توانمندی و دانش هسته‌ای خویش در برابر فشار غرب و به‌ویژه ایالات متحده است. از سوی دیگر، اصرار غیرعادی امریکایی‌ها بر مقابله همه‌جانبه با برنامه اتمی ایران طی سال‌های گذشته و ممارست آن‌ها در عرصه تبلیغاتی علیه این برنامه، سوال برانگیز است. کارشناسان معتقدند موارد نیازمند شفاف‌سازی و اتهامات وارده به برنامه هسته‌ای ایران از سوی آژانس بین‌المللی اتمی، قابلیت این را داشت که ظرف تنها چند جلسه، بررسی و حل‌وفصل شود؛ اما اکنون بیش از دو دهه است که این مناقشه به طرز نامتعارف و غیرقابل توجیهی ادامه یافته است. تهدید نمایی‌های امریکا از چرخه سوخت هسته‌ای ایران در راستای ارباب جامعه بین‌المللی در حالی اتفاق می‌افتد که ایران، بر اساس خرده‌روایت‌هایی نظیر حمایت امریکا از شاه تا آخرین لحظه، تلاش‌های متعدد برای سرنگونی جمهوری اسلامی، ایجاد فشارهای بین‌المللی، اعمال تحریم‌های فلج‌کننده و... ایالات متحده را «دشمن درجه یک» خود می‌داند. در مقابل، کاخ سفید نیز، ایران را موجودیتی در دسرافزین که منافع، امنیت ملی و هژمونی امریکا را به خطر می‌اندازد، تحلیل می‌کند. باتوجه به مقدمه بیان شده، سوال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه «چرا منازعه هسته‌ای ایران تا امروز استمرار یافته و پرونده بسته نشده است؟» نگاه شکل‌گرفته در جانب دولت ایران و در جانب دولت امریکا نسبت به یکدیگر، برآمده از وقایع و رویدادهای متعدد تاریخی است که علاوه بر پیوند با مباحث هویتی، موجب شکل‌گیری، تقویت و انباشت انگاره‌های منفی می‌گردد. باید گفت سیاست خارجی یک دولت متأثر از انگاره‌های

نهادینه شده است. پس فرضیه پژوهش حاضر عبارت است از این که یکی از اصلی ترین موانع حل منازعه هسته‌ای دولت ایران با دولت امریکا، همین انگاره‌های منفی هستند. در حقیقت این انگاره‌ها، توان بالایی در جلوگیری از به نتیجه رسیدن پرونده هسته‌ای ایران دارند.

۱) مبانی نظری پژوهش

نهادگرایی جدید واکنشی به ویژگی غیراجتماعی شده رهیافت‌های مسلط و در واقع، اعتراضی به نظریات قائل به کمی و ساده‌سازی تبیین در علوم سیاسی بود. نهادگرایی جدید، نظریه‌ای برای تبیین علی نیست. بلکه نوعی دیدگاه نظم‌دهنده است که می‌کوشد تابلوی راهنمایی برای پرسش‌های اساسی باشد. نهادگرایی جدید خود را ملتمز به داشتن نظریه خاصی نمی‌داند، اما با نگاهی نقادانه در برابر نظریات دیگر، اتخاذ موضع می‌کند. لاوندرز قدرت نهادگرایی جدید را در ویژگی چند نظریه‌ای بودن آن می‌داند. تفاوت بنیادین نهادگرایی نوین با نهادگرایی سنتی در این است که نهادگرایی نوین، نهاد را فراتر از سازمان و قوانین رسمی قلمداد می‌کند، هر چند که در یک نگاه کلی، همچنان مداومت و تکرار شوندگی یک الگو، از جمله ویژگی‌های شاخص نهاد در نهادگرایی نوین است (لاوندرز، مارش، استوکر، ۱۴۰۲: ۸۸).

لاوندر و رابرتز با توجه به محدودیت‌های کنشگر، قائلند که نهادها از سه طریق کار می‌کنند؛ طرقی که دارای تمایز، ارتباط و محدودیت‌اند. این سه طریق عبارت‌اند از: قواعد، رویه‌ها و انگاره‌ها - روایت‌ها (Lowndes, Roberts, 2013: 50) همچنین به نظر کرنی، نهاد در نهادگرایی جدید عبارت است از قوانین، هنجارها، رویه‌ها و روابطی که بر الگوهای رفتاری در سیاست و سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارد. ردیابی، مطالعه و شناخت قوانین غیررسمی و رویه‌ها امری بسیار دشوار است. قوانین غیررسمی را می‌توان ناشی از انگاره‌های فکری و هنجارهای رفتاری دانست که در بسیاری از موقعیت‌ها یافت می‌شوند (کرنی، ۱۴۰۲: ۱۴۰). چیزی که پتر هال آن را با عنوان رویه‌های عملیاتی استاندارد معرفی می‌کند، در واقع بخشی مهم از اندیشه نهادگرایی نوین است (Hall, 1986: 57). باین‌همه، اقتضای تاریخی به میزان تأثیر رویدادها و تصمیمات متخذه در گذشته، بر شکل‌گیری نهادها و رویه‌های جاری اشاره دارد. وقتی یک نهاد مورد توجه قرار گرفته و تعهداتی نسبت به آن ایجاد شد و منابعی به آن اختصاص داده شد، هر چه زمان بیشتر به پیش رود، هزینه برگزیدن مسیری متفاوت به شدت بالا می‌رود؛ لذا، تغییراتی که در این نهادها

ایجاد می‌شود، بسیار ملایم و تدریجی است. البته در سوی دیگر میدان، باید مقطع بحرانی را نظاره کرد. مقطع بحرانی، بازه زمانی بسیار کوتاهی است که طی آن رویدادها و تصمیمات خاصی منجر به معرفی یک نهاد جدید یا تغییر اساسی در نهادهای قبلی می‌شود (کرنی، ۱۴۰۲: ۱۴۰).

چنان‌که گفته شد، نهادگرایی نوین توجه ویژه‌ای به انگاره‌ها و روایت‌ها دارد. روایت‌ها با کلمه‌ها و نمادها بیان می‌شوند، مانند سخنرانی‌های دولتمردان که ضرورت تغییرات را تشریح می‌کنند و یا به کار گرفتن داستان‌ها و روایت‌ها وضع موجود را در یک سازمان و نهاد، توجیه می‌کنند. انگاره‌ها آن‌قدر متداول شده و فهمی مشترک را رسمیت می‌بخشند که پیامدهای هنجاری یک امر، بدیهی و غیر قابل تخطی انگاشته شود. برای مطالعه انگاره‌ها و روایت‌ها (انگاره و روایت یکی نیستند؛ اما پیوند وثیقی با یکدیگر دارند) و شناخت آن‌ها باید از روش‌هایی همچون مصاحبه با کنشگران و ثبت خاطرات ایشان، دستیابی به تبیین‌های شفاهی در خصوص سیاست‌ها و تحلیل روایی از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها بهره برد (لاوندز، مارش، استوکر ۱۴۰۲: ۱۰۹).

طبق نظر داگلاس نورث باید دانست که نهادها امری ساخته دست بشر هستند، خصوصاً نهاد به‌مثابه قواعد بازی. هر چند که نهادگرایی جدید، سه رکن نهادگرایی را این‌گونه معرفی می‌کند: نهاد، قیود رسمی و ابزارهای اجرایی (مولایی‌قرا و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۵) لکن نهاد را به سازمان محدود نمی‌کند، بلکه آن را در قالب انگاره‌ها، باورها، ارزش‌ها و رفتارهای حاکم توضیح می‌دهد. باید دانست هنگامی که نهاد را به‌عنوان قاعده بازی در نظر بگیریم، نهاد این دو شاخصه را عرضه می‌دارد: امکان‌سازی (و ایجاد موقعیت) و محدودیت‌سازی (و ایجاد موانع) (فاضلی، رجبی هادی، ۱۴۰۱: ۹۵). به عبارتی، نهاد مورد توجه در این نوع از نهادگرایی نوین که منجر به تأثیر در سطح جامعه می‌شود، انگاره‌ها، روایت‌ها و هنجارها هستند. این رهیافت نظری، قائل به وجود دو نوع نهاد است؛ نخست، نهادهایی که ساختارهایی واقعی هستند و بر منافع کارگزاران تأثیر می‌گذارند و دوم، نهادها به‌مثابه انگاره‌ها و ایده‌هایی که در یک فرایند تاریخی و اجتماعی توسط کارگزاران خلق می‌شوند تا آنان بتوانند منافع خود را به نحوی معین‌شناسایی کنند. در واقع، نهادها تصورات از خود و هویت‌های کنشگران را که توسط شکل‌های نهادی، تصورات و نشانه‌ها ایجاد می‌شوند، می‌سازند (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۸۱). نهادها بر حسب شیوه‌ای که بازیگران آن‌ها را درک می‌کنند وجود دارند، اما به‌مثابه انگاره‌ها بر کنش تأثیر می‌گذارند (کرنی، ۱۴۰۲: ۱۵۵). با تکمله نهادگرایی

جامعه‌شناختی می‌توان گفت نهادها، نظام‌های نمادین و شناختی که در پس قواعد و هنجارها واقع شده‌اند را نیز بررسی می‌کنند. اهمیت نظام شناختی در آن است که «چارچوب ادراکی» ایجاد می‌کند و طی این چارچوب، چگونگی داده‌ها و اطلاعات محیط، برای اعضای آن نهاد تفسیر می‌شود. یک نهاد نه تنها با استفاده از تعیین آن چه یک فرد باید انجام دهد، بلکه با ایجاد تصور از عمل، می‌تواند رفتارها را ایجاد کند (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

از آنجا که سازه‌انگاری نیز به‌عنوان یکی از رهیافت‌های مشهور و مورد استفاده، قرابت‌هایی با نهادگرایی نوین دارد، به وجه اشتراک و افتراق این دو اشاره می‌شود. در واقع، پژوهشگر با ذکر شباهت و تفاوت نهادگرایی و سازه‌انگاری، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا بجای نهادگرایی از سازه‌انگاری (که از رهیافت‌های مشهور است) استفاده نشده است. سازه‌انگاری همچون نهادگرایی بر ذهنیت، نظام هویتی بازیگران، ایده‌ها، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، قوانین و شیوه‌های معمول تمرکز دارد (Wiener, 2006: 73) نهادگرایی نوین در کنار سازه‌انگاری رهیافتی به شمار می‌آید که به جایگاه افکار و تصورات در شکل‌دهی گزینه‌های راهبردی بازیگران توجه دارد (های، ۱۳۸۵: ۲۳). تشخیص نحوه شکل‌گیری منافع، هویت‌ها و هنجارها از مقاصد رهیافت سازه‌انگاری است. سازه‌انگاران تأکید دارند، مسائلی نظیر هنجارها و ایده‌ها بخشی از فرآیندی هستند که هویت هر کشور و کنشگر داخلی و خارجی آن را شکل می‌دهد. (Ted, 1998: 44) اما باید گفت سازه‌انگاری در نگاهی فردگرا و ذهنی بر فرد بازیگر تکیه دارد، اما نهادگرایی نوین بر نهادها و انگاره‌هایی که به‌مثابه نهاد عمل می‌کنند متمرکز است. در نهادگرایی توین نهادها به‌مثابه ابزاری هستند که دولت‌ها برای دستیابی به همکاری از آن‌ها استفاده می‌کنند. در واقع نهادها هستند که توقعات بازیگران را شکل می‌دهند و نقش‌ها و فعالیت‌های دولت‌ها را محدود می‌کنند (بیلیس، اسمیت، ۱۳۸۸: ۳۷). پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رهیافت نهادگرایی نوین، به طور خاص بر روی انگاره‌ها که وجه ممیزه نهادگرایی نوین از نهادگرایی سنتی است، تمرکز می‌کند تا پدیده منازعه هسته‌ای ایران و امریکا را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. مطابق با این دیدگاه، حوادث و نقاط عطف تاریخی اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابند، چرا که انگاره ساز بوده و با همین مکانیسم، در شکل‌گیری حوادث و رویدادهای بعدی اثر گذارند.

۲) پیشینه پژوهش

از اوایل دهه هشتاد به این سو، یکی از مسائل اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مسئله هسته‌ای بوده است؛ بنابراین تعداد آثار پژوهشی در این حوزه، قابل توجه است. به‌طور کلی می‌توان آثار مرتبط در این موضوع را در سه دسته بررسی کرد. دسته اول آثاری هستند که منازعه هسته‌ای میان ایران و آمریکا را از چشم‌انداز اهداف و انگیزه‌های ایران مورد مطالعه قرار می‌دهند. مقاله «واکاوی سیاست هسته‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران: آیا ج.ا. ایران به دنبال بازدارندگی منطقه‌ای است؟»، نوشته رسولی ثانی آبادی بر آن است تا میزان تأثیر انگیزه کسب امنیت، به‌خصوص امنیت منطقه‌ای را در مناقشه هسته‌ای دیگر بازیگران با ایران بررسی کند. مقاله «تأملی سایبرنتیک بر مدل تصمیم‌گیری هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران» اثری از قرشی است. سوال نگارنده آن است که کدامین رهیافت و الگو می‌تواند تصمیم‌گیری هسته‌ای ایران را معرفی کند؟ وی مدل سایبرنتیک را مناسب‌ترین مدل می‌داند. مقاله «فراز و فرود حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: از شورای حکام تا شورای امنیت» اثر ساعد، بر آن است تا طی مباحثی حقوقی، بر صلح‌آمیز بودن فناوری هسته‌ای ایران تأکید کند. مقاله «برنامه هسته‌ای ایران: «توانایی قانونمند»» اثر هادیان و هرمزی است. سوال مطرح آن است که چه عواملی ایجاب می‌کند جمهوری اسلامی ایران به دنبال کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای باشد؟ از دید این نویسندگان، امنیت ملی، کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای را ایجاب می‌کند.

دسته دوم شامل آثاری است که منازعه هسته‌ای میان ایران و آمریکا را از چشم‌انداز اهداف و انگیزه‌های آمریکا بررسی می‌کند. مقاله «ساختار نظام بین‌الملل و چگونگی برخورد با قدرت هسته‌ای ایران و رژیم صهیونیستی» اثر ترکاشوند و مرادی این سوال را مطرح می‌کند که چرا رفتار قدرت‌ها ناظر به هسته‌ای شدن ایران و رژیم صهیونیستی متفاوت است؟ پاسخ این مقاله آن است که آمریکا به دنبال ترویج ایدئولوژی خود و تقویت مهم‌ترین هم‌پیمان خود، ناگزیر از استانداردهای دوگانه است. جهانگیری و یوسفی صادقلو در مقاله‌ای با عنوان «کالبدشناسی تعهدات برجام بین ایران و آمریکا در مورد مذاکره هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه» به طرح چنین سؤالی در پژوهش خود می‌پردازند که «تفاوت در دیپلماسی تحریمی دو دولت ترامپ و اوباما چه بوده است؟» از نظر ایشان، پاسخ آن است که اوباما تلاش می‌کرد هنجارهای

بین‌المللی را به ایران تحمیل کند، اما ترامپ به دنبال حداکثرسازی منافع ملی آمریکا است. مقاله «مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران» اثر بصیری و قاسمی است. تلاش این دو پژوهشگر بر آن بوده است که روایتی از آن چه تا سال ۱۳۸۵ اتفاق افتاده است، ارائه نمایند.

دسته سوم نیز آثاری را در بر می‌گیرد که به بررسی علل منازعه میان ایران و آمریکا از دریچه‌های نظری و تاریخی مختلف می‌پردازد. مقاله «به‌کارگیری نظریه بازی‌ها در تحلیل منازعه ایران و آمریکا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران» توسط نوربخش و همکاران، روابط ایران و آمریکا را در سه مقطع به تحلیل نظریه بازی‌ها برده است. این اثر با توجه به فرمول‌های نظریه بازی‌ها و نیز، اسناد موجود در مورد منازعه هسته‌ای ایران و آمریکا به نگارش درآمده است. کتاب «ایران و ایالات متحده» اثر حسین موسویان تلاش دارد با نگاهی منصفانه و رویکردی عقلانی، در عین تبیین ماهیت خصمانه روابط دو کشور با هدفی مبتنی بر ایجاد درک متقابل و فهم مشترک، در راستای کاهش تنش و مسیر تعامل و مصالحه نیز گام بردارد. این اثر در پی آن است که تصویر ساخته شده از طرفین را که انباشتی تاریخی دارد اصلاح نماید. مقاله «گفتگوی هسته‌ای ایران و اروپا (از آغاز تا نشست بروکسل)» اثر دهقانی است و مسائلی همچون تحولات پیش از بیانیه تهران، گزینه‌های هسته‌ای ایران، بیانیه تهران و توافقنامه پاریس و گفتگوهای بروکسل را مورد کنکاش قرار می‌دهد. کتاب «ایران و آمریکا» اثر جان قزوینیان به عمق روابط این دو کشور در سایه حکمرانان و مردمانشان در بستر تاریخی نظر دارد. «مذاکرات هسته‌ای وین ۲: از گفت‌وگو تا واقعیت» از مرکز پژوهش‌های مجلس با «اقتصاد استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای» از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری نیز تنها دو مثال از میان ده‌ها گزارشی است که در رابطه با منازعه هسته‌ای ایران توسط این مراکز منتشر شده است.

در این میان آثاری نظیر کتاب «پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به روایت اسناد» اثر غریب‌آبادی، کتاب «پرونده هسته‌ای و ابعاد پیدا و پنهان آن» اثر غضنفری، کتاب «پرونده هسته‌ای ایران و حقوق بین‌الملل؛ نگاهی غیرایرانی و چندگانه» اثر عابدینی، کتاب «پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها» اثر گلشن‌پژوه، کتاب «بحران ساختگی» اثر گرت پورتر، کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» نوشته حسن روحانی و کتاب «پرونده هسته‌ای؛ همکاری ایران، عهدشکنی غرب» نوشته نعمتی تلاش دارند با بهره‌گیری از برخی اسناد منتشر شده و نیز، خاطرات چهره‌های

درگیر در مذاکرات، پرونده هسته‌ای ایران را مورد بررسی قرار دهند. این کتب برای فهم روندها در منازعه هسته‌ای ایران سودمند هستند.

در ادامه باید به برخی آثار مرتبط با رهیافت نظری مقاله حاضر، یعنی نهادگرایی نوین اشاره شود. به‌طور کلی می‌توان گفت این رهیافت جزو رهیافت‌های جدیدی است که در ایران، هنوز چندان رواج علمی نیافته و به شهرت نظری نرسیده است. البته تعداد محدودی مقاله علمی با بهره‌گیری از این رهیافت نگاشته شده است. به‌عنوان مثال، مقاله «نهادگرایی جدید جامعه‌شناختی؛ رهیافتی برای تحلیل ثبات و تغییر» نوشته آرمان زارعی، به بررسی نگاه متفاوت نهادگرایی جدید به مسئله تغییر می‌پردازد؛ چرا که یکی از اشکالات اساسی نهادگرایی کلاسیک، عدم توانایی آن در تحلیل و تبیین تغییر است. مقاله «نهاد حامی‌پروری و سقوط دولت پهلوی دوم در چهارچوب رویکرد نهادگرایی جدید» اثر حبیب‌الله فاضلی و هادی رجبی، سقوط دولت پهلوی دوم را از منظر نهادی مورد واکاوی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که در دولت پهلوی، حامی‌پروری به‌عنوان یک انگاره و هنجار، صورتی نهادینه یافته بود. مقاله «بررسی موانع تحقق دموکراسی جهان‌وطنی بر اساس نهادگرایی جدید» که حاصل تلاش الهام صباغ است، نهادگرایی سنتی را در بررسی موانع تحقق دموکراسی جهان‌وطنی ناکافی دانسته و بر روی نهادهای غیررسمی و انقلاب رفتاری تمرکز می‌کند.

چنان‌که اشاره شد، اثری که به‌طور مستقل، پرونده هسته‌ای ایران را از منظر انگاره‌ها به‌مثابه نهادهای غیررسمی بررسی نموده باشد، وجود ندارد؛ حال آنکه، نهادگرایی نوین نشان می‌دهد انگاره‌ها تا چه اندازه در جهت‌دهی به سیاست‌های دولت‌ها حائز اهمیت هستند؛ بنابراین، جای خالی تحلیل چنین پرونده بین‌المللی حساسی از نگاه نهادگرایی نوین احساس می‌شود.

۳) روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش سعی دارد به نحوی هم‌بسته با رهیافت نظری خود یعنی نهادگرایی نوین، از روش اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای بهره‌گیرد، به این صورت که در مقام گردآوری داده، پس از احصاء منابع موجود در موضوع پرونده هسته‌ای ایران و همچنین، منابع مربوط به مناسبات و روابط ایران و آمریکا، مطالعه و فیش‌برداری آغاز شده و مدارک و اسناد مرتبط جمع‌آوری می‌شود. این روش در پژوهش‌های تاریخی، کاربرد فراوانی دارد و پژوهشگر را قادر می‌سازد با قدری فاصله‌گرفتن از

پدیده، به بررسی جوانب گوناگون آن پدیده پردازد. نگارنده پس از جستجوی منابع و اسناد مرتبط با منازعه هسته‌ای ایران و امریکا و همچنین گفتگو با صاحب‌نظران، به این نتیجه رسید که یکی از جامع‌ترین و تفصیلی‌ترین کتب موجود در این زمینه، کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» یعنی خاطرات حسن روحانی به‌عنوان مسئول اسبق مذاکرات هسته‌ای ایران است. از این رو، پژوهش حاضر علاوه بر بهره‌گیری از دیگر منابع و اسناد، تأکید ویژه‌ای بر مطالب بیان شده توسط وی خواهد داشت.

پژوهش حاضر در مقام تحلیل داده‌ها، از روش تطبیقی - تاریخی ۱ استفاده می‌برد. این روش، یکی از کارآمدترین روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی است که امکان تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی و همچنین تغییرات آن را در چند گام فراهم می‌آورد. در واقع، یکی از موارد کاربرد این روش، هنگامی است که پژوهشگر به دنبال بررسی یک‌روند در طول زمان است. نخستین گام، ارائه اولیه مفاهیمی است که ممکن است در تبیین یک پدیده به کار گرفته شوند که مفهوم «نهاد» در این پژوهش چنین جایگاهی دارد. گام دوم، انتخاب یک جنبه خاص از پدیده، جهت تطبیق و تحلیل است. «انگاره‌ها» همان جنبه خاصی هستند که می‌بایست در دو سوی ایران و امریکا، مورد بررسی قرار گیرند. گام سوم، واکاوی تفاوت‌ها و شباهت‌ها بوده و گام چهارم، به نشان‌دادن اثرگذاری آن جنبه خاص (انگاره) در تبیین پدیده مربوط می‌شود (شجاعی، ۱۴۰۰: ۱۰). بهره‌گیری از این روش تحقیق، با چارچوب نظری پژوهش حاضر تناسب بالایی دارد و پژوهشگر را در تبیین پدیده «منازعه هسته‌ای» یاری می‌دهد.

۴) یافته‌های پژوهش

۵-۱) روابط ایران و امریکا در گذر تاریخ

فهم منازعه هسته‌ای ایران و امریکا، مستلزم بررسی قاب بزرگ‌تر، یعنی مرور روابط تنش‌آلود تهران - واشنگتن است؛ از این رو، ابتدا تاریخ روابط ایران و امریکا مورد بازخوانی قرار می‌گیرد.

۵-۱-۱) تحولات منتهی به کودتای ۲۸ مرداد

امریکا تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از وجهه نسبتاً مثبتی در ایران برخوردار بود که ریشه در برخی اقدامات این کشور داشت. برای مثال، امریکا عموماً در کشمکش میان دو قدرت استعماری

انگلستان و روسیه، جانب ایران را گرفته و از حاکمیت ملی ایران مبتنی بر حقوق بین‌الملل، دفاع می‌نمود. نقش آفرینی امریکا در ماجرای قرارداد ۱۹۱۹ و بعدتر، تهدید شوروی به دلیل عدم خروج نیروهای نظامی آن از خاک ایران علیرغم توافق سه‌جانبه، از جمله اتفاقاتی بود که در مجموع، تصویر مثبتی از امریکا ساخته بود. تحرک هیأت‌های مسیونری امریکایی در حوزه خدمات اجتماعی نیز، این تصویر را تقویت می‌کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۸: ۴۰۷).

البته به موازات این تصویرسازی مثبت، حضور شرکت‌های امریکایی در ایران و رقابت آن‌ها در زمینه امتیازات نفتی نباید مورد غفلت واقع شود (نوری اسفندیاری، ۱۳۹۱: ۹۲). اما به درستی می‌توان عملیات آژاکس یا همان کودتای ۲۸ مرداد را یک نقطه عطف بسیار بزرگ در تاریخ روابط ایران و امریکا در نظر گرفت. این اولین تجربه سازمان سیا در براندازی یک حکومت خارجی بود که هزینه اعلام شده آن، در حدود ۶۰ هزار دلار است (گازیوروسکی، ۱۳۹۴: ۲۷۲). این کودتا را می‌توان مبدأ بسیاری از تحولات بعدی به شمار آورد، در حالی که امریکا خود را به عنوان یک دشمن، در خاطره جمعی ایرانیان ثبت کرده بود.

۲-۱-۵) دوران پهلوی دوم

ایالات متحده پس از کودتا رسماً به نحو وسیعی وارد معادلات داخلی ایران شده و دست به مداخلات گسترده‌ای در امور گوناگون زد. از جمله مواردی که در ایران جنجال به پا کرد، تصویب لایحه کاپیتولاسیون یا مصونیت قضایی بود که از دید مردم ایران، تنها یک اهانت استعمارگرانه و تحقیر توسط بیگانگان به حساب می‌آمد (اسداللهی، ۱۳۷۳: ۴۲). تا پیش از انقلاب اسلامی، کمک‌های مالی امریکا به شاه، به ۷۰ میلیون دلار رسیده و مستشاران امریکایی در ایران، حضوری بی‌سابقه یافتند. در نهایت، پیوند رژیم پهلوی و ایالات متحده به حدی عمیق شد که کارتر، سال جدید میلادی را با حضور در کاخ محمدرضا پهلوی آغاز نموده و ایران را که ژاندارم منطقه شده بود، «جزیره ثبات» خواند. (Thiessen, 2008: 43)

حمایت‌های عملی امریکا از شاه در برابر مخالفانش که برای مثال در شکل‌گیری ساواک به اوج خود رسید، چهره امریکا نزد مردم ایران را، نامحبوب‌تر می‌ساخت (فردوست، ۱۳۷۰: ۴۱۷). وقوع انقلاب اسلامی نیز، بی‌ارتباط با این مسئله نبود؛ چرا که یکی از اساسی‌ترین شعارها در بحبوحه

انقلاب، استقلال بود. این شعار، در سیاست «نه شرقی نه غربی» بازتاب یافت، که نشان از نگاه عمومی مردم ایران به ابرقدرت‌ها و به ویژه، ایالات متحده داشت (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۰۳).

۳-۱-۵) پس از پیروزی انقلاب اسلامی

از دیگر نقاط عطفی که بر روابط ایران و آمریکا به صورت تاریخی اثر گذاشت، تسخیر سفارت و بازداشت دیپلمات‌های امریکایی توسط دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ بود. از این ماجرا که به مدت ۴۴ روز ادامه یافت، در آمریکا به بحران گروگان‌گیری تعبیر می‌شود (پوریزدانپرست، ۱۳۹۱: ۴۱۳). خبر پذیرش سفر شاه به آمریکا، دلیلی بود که این حرکت دانشجویان را رقم زد؛ اما شاید بتوان گفت دلیل اصلی‌تر، موضوعی بود که در سخنان معصومه ابتکار، سخنگوی دانشجویان پیرو خط امام، خود را نشان داد. وی به تحلیل دانشجویان اشاره می‌کند که نگران بودند آمریکا دوباره به طراحی یک کودتا شبیه عملیات آژاکس در ۲۸ مرداد دست زده و در پی سرنگونی جمهوری اسلامی برآید. (وب‌گاه دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰)

این مسئله بیانگر عمق اثرگذاری یک حادثه تاریخی در حافظه جمعی ایرانیان و وابستگی زنجیروار تحولات بعدی به آن حادثه است. به دنبال تصرف سفارت و دستگیری دیپلمات‌های امریکایی، حوادث بعدی یکی پس از دیگری رقم خوردند. قطع رابطه سیاسی و دیپلماتیک، اجرای عملیات نظامی پنجه عقاب در خاک ایران و شکست آن (طبس)، محکومیت ایران توسط شورای امنیت و... اتفاقات دیگری بودند که بحران را تشدید کرده و انگاره‌های منفی طرفین نسبت به یکدیگر را تقویت کردند (برژینسکی، ۱۳۸۰: ۹۷).

با این حال اقدامات ایالات متحده علیه ایران پایان نیافت و ۷۵ روز بعد از تهاجم آمریکا به طبس، با کودتای نقاب (سرواژه‌ی نجات قیام ایران بزرگ) که بعدها به «کودتای نوژه» معروف شد، ادامه داده شد. آمریکا در تامین مالی، اتاق فکر و آموزش نیروهای عملیات‌کننده نقشی فعال ایفا کرده بود. رای به محکومیت ایالات متحده در دادگاهی علنی در تهران، در شهریورماه ۱۴۰۱ صادر شد و بر اساس آن، دولت آمریکا به دلیل «طراحی و اجرای» کودتای نقاب به ۳۳۰ میلیون دلار غرامت بابت خسارات مادی و معنوی محکوم شد (بی‌بی‌سی، ۱۴۰۲) که نشان از تشدید روزافزون بحران در روابط ایران و آمریکا است. در دهه ۶۰، آمریکا به تعهدات خود در بیانیه الجزایر که حاصل اولین توافق مهم میان دو کشور و در خصوص دیپلمات‌های امریکایی بود، عمل نکرد. این در

حالی است که ایران گروگان‌های آمریکایی را در کمال سلامت آزاد کرد. در مقابل، آمریکا ایجاد اختلافات درونی و تحریک گروه‌های چپ و التقاطی جهت درگیری مسلحانه را در دستور کار خود قرار داد (واعظی، ۱۳۷۹: ۱۱۸).

ایالات متحده در زمینه جنگ ۸ ساله ایران و عراق نیز، نقشی موثر داشت. از عدم تحویل سلاح‌های خریداری شده به ایران و چراغ سبز به صدام جهت حمله شیمیایی (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲)، تحریک عراق برای حمله به ایران و حمایت مقتضی و مدیریت شده از او برای مهار جمهوری اسلامی^۱، محکوم کردن ایران در صحنه‌های بین‌المللی، پشتیبانی اطلاعاتی از ارتش حزب بعث، تأمین نیازهای کشاورزی عراق و... گرفته تا فشار همه‌جانبه سیاسی، تسلیحاتی، اقتصادی و منطقه‌ای بر ایران (پورشاسب و همکاران، ۱۴۰۲: ۹) از جمله فعالیت‌های خصومت‌آمیز ایالات متحده علیه ایران است. در همین رابطه، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶ مهرماه ۱۳۵۹ به اتفاق آرا، آغاز جنگ را بدون همدستی آمریکا غیرممکن دانست و هرگونه مذاکره مستقیم و غیرمستقیم با این کشور را مردود اعلام کرد (شاه‌غلی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). با سررسیدن روزهای پایانی جنگ، ناو نظامی آمریکایی مستقر در خلیج فارس، هواپیمای مسافربری ایرانی را مورد اصابت دو موشک قرارداد که موجب به‌شهادت رسیدن همه ۲۹۰ مسافر آن شد. این اتفاق پس از آن افتاد که ناوگان دریایی آمریکایی باهدف اعلامی حفاظت از کشتی‌های تجاری، در خلیج فارس مستقر شده بود (آقائی، ۱۳۹۲: ۹) و نوعی فشار سیاسی بر ایران به شمار می‌آمد.

۴-۱-۵) پس از فروپاشی شوروی

پس از فروپاشی شوروی، حجم بیشتری از توجه کاخ سفید، به ایران معطوف شد. بوش رئیس جمهور وقت آمریکا، ایران را عضو محور شرارت نامید و با حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، به‌نوعی ایران را محاصره کرد. ماجراجویی‌های گسترده و نظامی آمریکا، متأثر از فضای به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر بود (فرسائی، ۱۳۸۱: ۴۵). البته مقامات ایالات متحده در طول چند دهه گذشته، بارها ایران را به حمله نظامی تهدید کرده‌اند. علاوه بر موارد پیش گفته، باید اشاره کرد که حمایت علنی و تمام‌قد آمریکا از رژیم صهیونیستی، به‌ویژه

^۱ «جرج هربرت واکر بوش» رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعتراف کرد: «کمک واشینگتن به بغداد در جنگ ۸ ساله برای رویارویی با ایران بود نه حمایت از صدام»

هنگام تعرضات این رژیم به غیرنظامیان فلسطینی، بر روابط ایران و امریکا تأثیر بسزایی داشته است (Garamone, 2023: 5).

از دیگر مسائلی که در خصوص روابط ایران و امریکا حائز اهمیت است، تقابل منطقه‌ای و به‌خصوص سیاست‌های تقابلی در جریان آشفتگی‌های سوریه و عراق است که اگرچه با افت‌وخیزهایی مواجه بوده، اما در مجموع می‌توان آن را رویارویی ایران و امریکا در غرب آسیا ارزیابی نمود. تعبیر نیروهای نیابتی ایران، کلیدواژه‌ای است که طی سال‌های اخیر، به‌دفعات از زبان مسئولان امریکایی شنیده شده است و اشاره به معادلات منطقه دارد. تنش با امریکا هنگامی به اوج خود رسید که سپهد قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران که مسئولیت اصلی پیشبرد سیاست‌های نظامی ایران در منطقه و سامان‌دهی به گروه‌های موسوم به مقاومت را بر عهده داشت، به دستور مستقیم ترامپ رئیس‌جمهور وقت امریکا، در فرودگاه بغداد ترور شد (عباسی، ۱۴۰۰: ۱۷).

سرریز روابط تنش‌آلود ایران و امریکا، در پرونده هسته‌ای نیز به‌خوبی قابل مشاهده است. ایالات متحده در دهه ۸۰، دولت اصلاحات در ایران را شدیداً تحت فشار گذاشت. جمهوری اسلامی نیز، با وجود پافشاری بر مواضع خود، نهایتاً پذیرفت که بخش قابل‌اعتنایی از فعالیت‌های هسته‌ای خود را به حالت تعلیق درآورد (روحانی، ۱۳۹۱: ۱۸۳). در ادامه، پس از آنکه ایران حس کرد طرف‌های مذاکره، به تعهدات خود پایبند نبوده‌اند، تعلیق را به صورت یک‌جانبه لغو نمود که این اقدام، افزایش تنش‌ها را در پی داشت (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۲۴۶). با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد، تنش‌ها با غرب و ایالات متحده، به‌طور مضاعفی بالا گرفت. آمیخته شدن دعاوی هسته‌ای با وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و نقش آفرینی جهت‌دار امریکا در آن وقایع، بر پیچیدگی شرایط و بغرنج‌تر شدن منازعه افزود. چندی بعد، امریکا تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را علیه ایران وضع کرد (دویچه‌وله، ۱۳۹۰). پس از آنکه حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد، وی که شعار اصلی خود را تعامل سازنده با جهان و حل و فصل مشکلات با امریکا به محوریت مناقشه هسته‌ای اعلام کرده بود، به مذاکرات وسیع و مستقیم با ایالات متحده روی آورد که ماحصل آن، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بود. امری که هرچند در ابتدا نتایجی دربرداشت، اما به سرعت و با روی کار آمدن ترامپ در امریکا، با شکست مواجه شد

(مالمیر، ۱۴۰۱: ۲۳). در نهایت و با شکست برجام، شرایطی به وجود آمده است که بازگشت به میز مذاکرات هسته‌ای و از سرگیری گفتگوهای موثر، غیرممکن یا لاقابل بسیار دشوار ترسیم می‌شود زیرا نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و همچنین حفظ عزت از وابسته‌های سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود (سلیمی وردنجانی، ۱۴۰۲: ۱۶۳).

۲-۵) اثرگذاری انگاره‌ها در منازعه هسته‌ای

از منظر نهادگرایی نوین، انگاره‌ها را می‌توان خاستگاه اصلی رفتار سیاسی دانست. در واقع انگاره‌ها، ارزش‌ها و باورها که معمولاً دارای یک ساخت تاریخی و اجتماعی هستند، به مرور و در یک روند پیوسته، در جوامع نهادینه شده و به مثابه هنجارهایی درمی‌آیند که قادر به محدود ساختن و کانالیزه کردن انتخاب‌ها و در نتیجه، شکل‌دهی به رفتارهای سیاسی هستند. نهادگرایی نوین بیان می‌دارد که قدرت انگاره‌ها به حدی است که حتی به نوعی بر ساختارها سایه انداخته و قاعده‌های فکری و رفتاری تعیین می‌کنند. از همین روست که نهادگرایی نوین، بر خلاف نهادگرایی کلاسیک، نهاد را فراتر از نهادهای رسمی، قوانین، مقررات و... تحلیل می‌کند؛ بنابراین انگاره‌ها، هم در تاریخ و تحولات سیاسی و اجتماعی ریشه دارند و هم تاریخ‌ساز شده و تحولات سیاسی و اجتماعی بعدی را رقم می‌زنند. در بررسی تحولات میان ایران و امریکا می‌توان انگاره‌های مختلفی که هر یک نسبت به دیگری دارد را احصاء کرد که مهم‌ترین آن بررسی می‌شود.

۱-۲-۵) انگاره بدعهدی و غیرقابل اعتماد بودن امریکا

چنان‌که گفته شد، کودتای ۲۸ مرداد از مهم‌ترین و اثرگذارترین وقایع تاریخ سیاسی ایران بوده است که تا سال‌ها بعد و در بسیاری از حوادث خطیر، به نحوی خود را نشان داده است. دیرپاترین تاثیر کودتا، اثرگذاری آن بر حافظه جمعی مردم ایران بود. این اقدام نه تنها نگاه پارانوئید غالب در فرهنگ سیاسی را تشدید کرد، بلکه امریکا را نیز به این تصویر افزود (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۹۲). از سویی می‌توان گفت پرتکرار بودن اشاره به آن واقعه در افواه مسئولین و تصمیم‌گیران، خود نشان دهنده انگاره‌هایی تثبیت شده و در نهایت، هنجارهایی نهادینه شده است که در این صورت، اثرگذاری آن از دید رهیافت نهادگرایی نوین مسلم انگاشته می‌شود. ممکن است نوع برخورد و یا موضع‌گیری چهره‌های مختلف و شخصیت‌های سیاسی موثر، در نسبت با واقعه کودتای ۲۸ مرداد و در نتیجه، انگاره تولید شده به واسطه آن، متفاوت باشد، اما اصل این مطلب که آن واقعه دائماً در

فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران بازگو می‌شود، دلالت بر تاثیرگذار بودن و انگاره‌سازی مستمر دارد.

از جمله مقامات رسمی نظام جمهوری اسلامی که بارها به حادثه کودتای ۲۸ مرداد پرداخته و آن را در تحلیل مسائل و تحولات سیاسی معاصر دخیل دانسته است، آیت‌الله خامنه‌ای رهبری نظام است: «مذاکره با آمریکا مشکلی را حل نمی‌کند. کجا این‌ها به وعده‌های خودشان عمل کردند؟ شصت سال است که از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز، در هر موردی که مسئولین این کشور به امریکایی‌ها اعتماد کردند، ضربه خوردند.»^۱ در این سخنرانی، به صراحت بین کودتای ۲۸ مرداد و مذاکره مبتنی بر اعتماد با امریکایی‌ها، رابطه برقرار شده و اثرگذاری این خاطره تلخ تاریخی بر مسائل بین ایران و امریکا در دوره کنونی، واضح‌تر از آن است که نیازی به تحلیل داشته باشد.

نمونه دیگری از بیانات رهبری در این موضوع، چنین است: «در کشور ما دکتر مصدق به امریکایی‌ها اعتماد کرد؛ برای اینکه بتواند خود را از زیر فشار انگلیس‌ها نجات بدهد، به امریکایی‌ها متوسل شد؛ امریکایی‌ها به جای اینکه به دکتر مصدق که به آن‌ها حسن‌ظن پیدا کرده بود کمک کنند، با انگلیس‌ها همدست شدند، مأمور خودشان را فرستادند اینجا و کودتای ۲۸ مرداد را راه انداختند.» در ادامه همین سخنرانی آمده است: «در باره مسائل جاری ما با آمریکا... این مذاکره‌ای که امروز دارد انجام می‌گیرد... فقط در مورد مسائل هسته‌ای است و لاغیر... مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتم من اعتماد ندارم، خوش‌بین نیستم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند.»^۲ این سخنان به خوبی بیانگر بی‌اعتمادی حاکم بر روابط ایران و امریکا است که اولاً به‌طور کلی، مذاکره با امریکا را منتفی می‌سازد و ثانیاً اگر هم در برهه‌هایی خاص، اجازه مذاکره مستقیم در موضوعی داده شود، با زمینه بی‌اعتمادی شدید همراه خواهد بود که طبیعتاً دستیابی به یک توافق را، با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌کند.

در آبان ۱۳۵۸، درست در زمانی که نظام نوپای جمهوری اسلامی تلاش داشت موقعیت خود را تثبیت نماید، عده‌ای از دانشجویان با یادآوری توطئه سیا در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، تکرار

۱ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. بیانات در ۱۳۹۱/۱۱/۱۹

۲ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. بیانات در ۱۳۹۲/۸/۱۲

آن واقعه را ممکن و قریب الوقوع قلمداد کرده و به سفارت آمریکا در تهران حمله کردند. در این بین، بخش عمده‌ای از افکار عمومی متقاعد شده بود که سیا، در حال طراحی چنین عملیاتی است. بنابراین بحران گروگان‌گیری ۴۴۴ روزه آغاز شد. شیخ کودتای ۲۸ مرداد اکنون برای تسخیر روابط ایران و آمریکا وارد عمل شده بود. بحران سال ۱۳۳۲ همچنین در بن‌بست طولانی مجادله آمریکا و ایران بر سر برنامه هسته‌ای نیز مؤثر واقع شد. (روزنامه شرق، ۱۳۹۹: ۴)

آبراهامیان درباره نحوه اثرگذاری کودتای ۲۸ مرداد و انگاره‌های خروجی آن، بر منازعه هسته‌ای ایران و آمریکا نوشته است: «آمریکا به اهداف نظامی برنامه هسته‌ای ایران مشکوک است و ایران نیز به نوبه خود، بر اهداف غیرنظامی و صلح‌آمیز آن اصرار دارد. در این بن‌بست ایران، مستقیم و غیرمستقیم، به رویدادهای سال ۱۳۳۲ اشاره کرده و مشابهت‌هایی را بین حق حاکمیت کشور برای غنی‌سازی اورانیوم و ملی کردن منابع طبیعی خود برقرار کرده است. همچنین شباهت‌هایی برقرار کرده است بین ادعاهای قبلی غرب مبنی بر اینکه ایرانیان فاقد دانش فنی برای اداره صنعت نفت بوده‌اند و حالا هم تلاش بر این است که آن‌ها فاقد اعتبار اخلاقی لازم برای دانش فنی هسته‌ای نشان داده شوند. جمهوری اسلامی همچنین تحریم‌های غرب به رهبری آمریکا را با محاصره اقتصادی ایجاد شده از سوی بریتانیا همسان دانسته است. همچنین شباهت‌هایی بین مذاکرات توخالی طی این دو بحران برقرار و استدلال کرده است که در هر دو مورد، قدرت‌های غربی علناً وانمود می‌کنند که از آمادگی لازم برای پذیرش مصالحه‌ای منصفانه برخوردارند، اما در واقع امر و محرمانه پیوسته بر خواسته‌هایی اصرار دارند که از سوی ایران قابل پذیرش نیست. در سال‌های ۳۲-۱۳۳۰، نیت واقعی سرنگونی مصدق بود، اما اکنون نیت اصلی سرنگونی جمهوری اسلامی است.» (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۹۶)

بررسی منازعه ایران و آمریکا به‌طور کلی و به‌طور خاص در موضوع هسته‌ای، نشان می‌دهد چرخه منفی کناکنش‌ها به‌صورت پیوسته در جریان بوده و انباشت تاریخی و بدون توقف رویدادها، موجب تولید و بازتولید انگاره‌های تیره‌ترین از یکدیگر شده است؛ بنابراین، از هیچ یک از طرفین نمی‌توان انتظار بیجا داشت که به یک‌باره، خاطرات تلخ گذشته را به‌سادگی کنار گذاشته و منازعه را ختم نمایند. البته این بدان معنا نیست که نگاه نگارندگان به چرخه مذکور، منفک از

هر گونه ارزش گذاری بوده و یا مقصود از تأکید بر نقش انگاره‌ها، موهوم خواندن آن‌ها یا تنها سوء تفاهم دانستن منازعه پیچیده ایران و امریکاست.

حسن روحانی در کتاب خود، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای می‌نویسد: «از حوادث تلخ تاریخی گذشته، تصویری در ذهن مسئولین نقش بسته و معمولاً نتیجه‌گیری از آن حوادث، به قاعده و مبنای تصمیم‌گیری بدل شده است. برای نمونه، کودتای ۲۸ مرداد، کودتای رضاخانی و اینکه در مشروطه روحانیت کنار زده شد، همگی در نظام تصمیم‌گیری کشور نقش بسیار پررنگی پیدا کرده است.» (روحانی، ۱۳۹۱: ۶۹)

باتوجه به آنچه پیش‌تر آمد، نهادگرایی نوین نیز از قواعد بازی سخن می‌گوید. قواعدی که چه بسا نانوشته باشند، اما از چنان هیمنه‌ای برخوردارند که کسی را یارای تخطی از آن‌ها نیست. در این مقام، مسئله آن نیست که تجربیاتی تاریخی در گذشته وجود دارد و نگاه به آن‌ها بایستی چگونه باشد؛ مسئله این است که انگاره‌ها که در اثر رویدادهای بیرونی تولید و بازتولید می‌شوند، خواه‌ناخواه خود، جزئی از واقعیت بوده و به رفتارهای سیاسی بعدی جهت داده و رویدادهای آتی را شکل می‌دهند.

۲-۲-۵) انگاره سرکشی ایران در برابر غرب

برای مثال، همان گونه که بازیگری ایالات متحده در جریان کودتای ۲۸ مرداد، در حافظه تاریخی ایران و مسئولین ایرانی ثبت و ضبط شده و همواره نقش یک پیش‌زمینه منفی را ایفا می‌کند، خاطره تسخیر سفارت و نگه‌داری طولانی مدت آمریکایی‌ها در ایران نیز، به خوبی در ذهن مقامات ایالات متحده باقی مانده است، تا جایی که در خلال حوادث بعد از ترور سپهد سلیمانی، ترامپ رئیس‌جمهور وقت امریکا در واکنش به تهدید ایران مبنی بر انتقام‌گیری، جمهوری اسلامی را تهدید نمود که ۵۲ نقطه از خاک ایران را هدف قرار خواهد داد که این عدد، اشاره به تعداد بازداشت‌شدگان آمریکایی در قضیه تسخیر سفارت داشت. در کل می‌توان گفت ماجرای تسخیر سفارت، زمینه‌ساز رواج این نگاه در جوامع غربی و به ویژه امریکا شد که جمهوری اسلامی ایران، دولتی بی‌قانون، سرکش و ضدغرب است (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

۱ این انگاره در مصاحبه یک خبرنگار خارجی با امام خمینی (ره) پس از تسخیر سفارت، برجسته بوده و به وضوح، مشخص است. مصاحبه مذکور، در صحیفه امام خمینی (ره) آمده است.

مفهوم دولت یاغی یا سرکش، به معنای دولتی است که برای همسایگان خود و جامعه بین‌المللی خطرناک بوده و همواره دردسرآفرین است. این مفهوم همچنین اشاره به این دارد که ایران، نسبت به نظم جهانی حاکم و رهبری ایالات متحده، شدیداً تجدیدنظرطلب بوده و علیه آن، اقدام می‌کند. تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، حمایت از تروریسم و پایمالی حقوق شهروندان، از دیگر ویژگی‌های برشمرده شده برای مفهوم دولت سرکش است که به طور مکرر در متون نظری روابط بین‌الملل و تحلیل‌های ارائه شده توسط اندیشکده‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد و نزدیک‌ترین اصطلاحی است که می‌توان به وسیله آن، تصویر و انگاره‌های بازنمایی شده از ایران در امریکا را ترسیم کرد (یوسف‌وند، ۱۴۰۲: ۶۲).

۳-۲-۵) انگاره قبح مذاکره با آمریکا

اسناد تاریخی گویای آن است که از ابتدای انقلاب، ارتباط و مذاکره با امریکا به شدت قبیح تلقی شده بود و در حکم قاعده‌ای به شمار می‌رفت که کسی نمی‌توانست لااقل به صورت علنی خلاف آن رفتار کند. کما اینکه در ماجرای مک‌فارلین که در آن تهران قصد داشت با مسئولین آمریکایی مذاکره کند، عمدتاً به این دلیل که هرگونه مذاکره با امریکا به یک تابو تبدیل شده بود، بررسی همه جوانب امر و پیامدهای آن، امکان‌پذیر نشد. این انگاره، در جریان مذاکرات هسته‌ای نیز، تأثیرگذار بود (روحانی، ۱۳۹۱: ۷۱). از منظر نهادگرایی نوین، بازیگران در چارچوب انگاره‌های ویژه خود که در واقع شامل ادراکات و برداشت‌های خاصی از برقراری رابطه آن‌ها با دیگر کنشگران است، دست به رفتارهای خاصی می‌زنند (Fierke, 2007: 99) و بر این اساس، مذاکره با امریکا نیز قابل تحلیل است؛ چرا که یکی از عوامل عدم مذاکره، انگاره قبح مذاکره با امریکا بود.

۴-۲-۵) انگاره توان نظامی و امنیتی آمریکا

حمله گسترده امریکا به عراق، سهم زیادی در بحرانی‌تر شدن مسئله هسته‌ای ایران و پیچیده‌تر شدن منازعه با امریکا داشت؛ به‌ویژه آنکه برخی سیاستمداران افراطی در امریکا و برخی از مقامات رژیم صهیونیستی، قبل از تهاجم به عراق این‌گونه فضاسازی می‌کردند که آیا ابتدا به عراق حمله شود یا به ایران. بوش رئیس‌جمهور وقت امریکا در ژانویه ۲۰۰۳ در نطق سالانه خود در کنگره، ایران را یکی از سه کشور محور شرارت معرفی کرده بود و این در حالی بود که بهانه تهاجم به عراق نیز،

وجود تسلیحات کشتار جمعی در آن کشور بود (رجبی نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۵). در عین حال امریکایی‌ها، ایران را هم به تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای (سلاح کشتار جمعی) متهم می‌کردند و حضور نیروهای آن‌ها در منطقه و در مرزهای ایران، بر نگرانی‌ها افزوده بود. مطالعه خاطرات روحانی به‌عنوان دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و مسئول مذاکرات هسته‌ای در آن ایام، بیانگر آن است که وی به همراه بسیاری از مسئولان کشور، تهدید نظامی امریکا را جدی تلقی نموده و شرایط را کاملاً غیرعادی می‌دانستند (روحانی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

انگاره توان اطلاعاتی - امنیتی و قدرت تاکتیکی امریکا در حوزه نظامی، با پیوست تاریخی خاطراتی چون کودتای ۲۸ مرداد، عملیات طیس، ایفای نقش در کودتای نوژه، حمایت از صدام و ورود مستقیم به جنگ در خلیج فارس، موجب می‌شد کمتر کسی در آن برهه، احتمال حمله نظامی به خاک ایران توسط امریکا را دور از ذهن بداند (بیات، ۱۳۹۵: ۷). در چنین شرایطی بود که جمهوری اسلامی تصمیم گرفت با سه کشور اروپایی انگلستان، آلمان و فرانسه وارد گفتگو شود و از مذاکره با آن‌ها، جهت ایجاد توازن و مدیریت بحران، بهره‌گیری کرد. خروجی این مذاکره، بیانیه سعدآباد بود. نکته حائز اهمیت آنکه، جک استراو وزیر خارجه انگلیس در توصیف گفتگوهای چهارجانبه تهران گفته بود: «ما میوه [اشغال] عراق را در سعدآباد چیدیم.» (رستگاری، ۱۳۹۲: ۲)

از جمله نقاط عطف تاریخی که در انگاره‌سازی یا تقویت انگاره‌های پیشین نقش ویژه‌ای داشت، حمله امریکا به عراق بود؛ به‌نحوی که به‌شدت بر موضع‌گیری جریان‌های مختلف در داخل کشور اثر گذاشت. آن‌هایی که می‌گفتند باید سریع‌تر مسئله را حل و فصل کنیم و یا برعکس، کسانی که می‌گفتند پذیرش پروتکل الحاقی باعث می‌شود حتی مساجد ما را بازرسی کنند، هر دو برداشت، متأثر از تجربه عراق بود (روحانی، ۱۳۹۱: ۵۵۸). انگاره ذهنی برخی از مسئولان اثرگذار کشور در عرصه پرونده هسته‌ای، ناظر به توانمندی نظامی امریکا و اراده ایالات متحده جهت حمله به ایران، در بعضی از مواضع آنان، به چشم می‌خورد. برای مثال، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه سابق ایران، بعدها و در جریان مذاکرات برجام، طی سخنانی در دانشگاه تهران گفت: «آیا شما فکر کرده‌اید که امریکا که با یک بمبش می‌تواند تمام سیستم‌های نظامی ما را از کار بیندازد، از سیستم نظامی ما می‌ترسد؟» (غضنفری، ۱۳۹۴: ۲۳۰)

۵-۲-۵) انگاره فریب و مخفی کاری ایران

جالب اینجاست که هنجارها، باورها و انگاره‌های نهادینه شده منفی از ایران در طرف امریکایی و ایفای نقش این انگاره‌ها نیز، دائماً در خلال مذاکرات و مسائل مربوط به پرونده هسته‌ای ایران، قابل مشاهده است. مذاکره کنندگان ایرانی نه تنها امریکا را نسبت به ایران، به شدت بی‌اعتماد توصیف کرده‌اند که در خاطرات خود بیان می‌کنند که امریکایی‌ها دائماً آژانس بین‌المللی اتمی و کشورهای اروپایی را می‌ترساندند و می‌گفتند ایرانی‌ها به شما دروغ می‌گویند، مخفی کاری می‌کنند و قصد فریب شما را دارند. برخی از کارشناسان و مذاکره کنندگان ارشد ایرانی بر این باورند که مسئله هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس، به طور طبیعی طی چند جلسه باید حل و فصل و پرونده مختومه اعلام می‌شد، اما امریکایی‌ها، مانع اعتمادسازی پایدار می‌شدند (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۰). بوش در جریان توافق بروکسل، با تونی بلر نخست وزیر انگلیس تماس گرفته و گفته بود ایرانی‌ها، همکاران شما را کاملاً فریب داده‌اند و این بزرگترین فضاختی است که اروپا به بار آورده است (روحانی، ۱۳۹۱: ۲۴۹).

از جمله حوادثی که انگاره فریب و پنهان کاری توسط ایرانی‌ها را برای امریکا پررنگ می‌کرد، شواهدی بود که پس از تسلیم شدن لیبی در جریان منازعه هسته‌ای خود و ارائه اسناد طبقه‌بندی شده به ایالات متحده، به دست امریکایی‌ها رسید. همچنین، دستگیری یک دلال بین‌المللی به نام طاهر که در زمینه هسته‌ای فعالیت می‌کرد، مدارک جدیدی در اختیار امریکایی‌ها قرار داده بود. مجموعه این اسناد، نشان می‌داد که ایران در بسیاری از تحرکات هسته‌ای خود، آن‌چنان که ادعا می‌کند شفاف نیست. البته ایران هم در پاسخ مدعی بود به دلیل حفاظت از دانش و چرخه اتمی خود از گزند دشمنانش و در رأس آن‌ها امریکا، ناچار است حدی از مخفی کاری را پیشه کند. از دیگر نتایج تسلیم شدن لیبی، تقویت این انگاره برای امریکایی‌ها و اروپایی‌ها بود که ایران نیز، لاجرم باید تسلیم شود و از حقوق خود کوتاه آید؛ بنابراین، در آن برهه زمانی، مذاکرات هسته‌ای ایران تحت تأثیر قرار گرفته بود (باقری، ۱۳۸۳: ۱۲).

به اعتقاد تیم مذاکره کننده سابق ایران، انگاره بی‌اعتمادی شدیدی که ایران و امریکا از یکدیگر دارند، بارها مانع شکل‌گیری توافق شده و یا توافقات صورت پذیرفته را، به شکست می‌کشانید. این اتفاق آن قدر تکرار شده بود که حسن روحانی خطاب به البرادعی رئیس وقت آژانس، زبان به

شکایت گشوده و بیان می‌دارد: «آقای البرادعی! اساس کار، اعتماد است. اگر شما احساس کنید که ما همه واقعیت را به شما نمی‌گوییم، شما نمی‌توانید این پرونده را حتی در زمان طولانی جمع کنید و اگر ما به آژانس اعتماد نداشته باشیم، همکاری‌مان را نمی‌توانیم ادامه دهیم.» روحانی در ادامه همین سخنان می‌گوید: «اصولاً مشکل ما و آمریکا، عدم حسن نیت آن‌هاست. امریکایی‌ها مرتب با ما دشمنی می‌کنند، منافع ملی ما را تهدید می‌کنند و از جنگ سخن می‌گویند.» (روحانی، ۱۳۹۱: ۸۵۶) تلاش بدون وقفه امریکایی‌ها جهت ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت نیز، ایرانی‌ها را عصبی ساخته و بر بی‌اعتمادی‌ها افزوده بود (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۵).

۲-۵) انگاره تلاش غرب برای تغییر نظام در ایران

در چارچوب بی‌اعتمادی مذکور، جمهوری اسلامی بر این باور است که امریکایی‌ها هدفی جز تغییر نظام در ایران را دنبال نمی‌کنند و مسئله هسته‌ای، تنها یک بهانه و مذاکرات، ابزار تغییر نظام است. البته بسیاری از مواضع مستقیم یا غیرمستقیم غربی‌ها نیز، به این انگاره دامن می‌زند. امام خمینی (ره) نظم بین‌المللی زمان خود را ناعادلانه و سلطه‌گرانه می‌پنداشت (چیت فروش و اسلامی، ۱۳۹۶: ۱۳). پروفسور استفان زونز استاد دانشگاه سانفرانسیسکو آمریکا در مصاحبه با خبرگزاری مهر گفت: «اکثر افرادی که در دولت آمریکا هستند، طرفدار تغییر نظام ایران هستند و بسیاری هم در کنگره قصد دارند آن‌ها را تشویق به این کار کنند.» به هر تقدیر ایران، آمریکا را غیرقابل اعتماد، خود برتر بین، غیرمنطقی، عهدشکن و جنایتکار می‌داند و کلان روایت خود از ایالات متحده را بر محوریت کلیدواژه «شیطان بزرگ» تنظیم کرده است. جالب توجه است که امریکایی‌ها نیز بارها در سخنان و مواضع خود به این کلیدواژه اشاره نموده و حتی در برخی از مذاکرات خود با ایران، با لحنی کنایه‌آمیز، از آن یاد کرده‌اند (غضنفری، ۱۳۹۴: ۲۲۱) که بیان‌گر عمق اثرگذاری انگاره‌ها در نظامات معنایی و در نتیجه، رفتار سیاسی است.

۵) نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله، تجزیه و تحلیل منازعه هسته‌ای ایران و آمریکا از منظر رهیافت نهادگرایی نوین بود که استدلال اساسی خود را بر محوریت انگاره‌ها صورت‌بندی می‌کند. نهادگرایی نوین قائل است وقایع زنجیره‌وار تاریخی موجب تولید و بازتولید انگاره‌هایی خاص شده، نوع و کیفیت

۱ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. بیانات در ۱۳/۷/۱۳۹۲

وقایع مذکور به همراه تکرار وقایع مشابه، باعث می‌شود آن انگاره‌ها به‌مرور نهادینه گردند. خروجی نهادینه‌شدن انگاره‌ها، ایجاد هنجارها و به تعبیری دیگر، قواعد بازی است. این قواعد حتی بر نهادها و قوانین و مقررات رسمی نیز تفوق دارند و به رفتارهای سیاسی شکل و جهت می‌دهند؛ بنابراین در این دیدگاه، خاستگاه اصیل رفتار سیاسی، انگاره‌ها، باورها و روایت‌ها هستند. این پژوهش، با مورد مطالعه قراردادن داده‌های تاریخی و به‌ویژه با تأکید بر خاطرات مربوط به مذاکرات هسته‌ای، نشان داد که انگاره‌های منفی طرف ایرانی و آمریکایی همواره بر منازعه بلندمدت این دو کشور حاکم بوده و پرونده هسته‌ای ایران را به مسیر خاصی هدایت کرده است. به همین خاطر است که توافقات هسته‌ای ایران هیچ‌گاه به نتایج مورد انتظار دست نیافته و پایدار نبوده است. در حقیقت، تنش‌ها و رفتارهای خصومت‌آمیز طرفین نسبت به یکدیگر، ریشه در انباشت تجربیات تیره تاریخی و در نتیجه، انگاره‌های منفی حاصل از آن دارد. براین اساس، پژوهشگر معتقد است بر خلاف بسیاری از نگاه‌های آکادمیک که با ساده‌سازی نوع رابطه ایران و امریکا، توصیه‌هایی مبنی بر برقراری روابط دوستانه می‌نمایند، امحاء یا نادیده گرفتن انگاره‌های نهادینه شده در جانب دو طرف، به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و لاقلاً، به مدت زمانی بسیار طولانی نیاز دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- Abbasi, Majid (2021). "Selective internationalism: Trump's strategy to create a smart security order in West Asia", Contemporary political essays 17, 56. [In Persian]
- Abbasi, Mohammad Baqer (2012). "Lessons of a bitter retreat", Ya Lasharat, 63. [In Persian]
- Aghaei, Seyyed Daoud (2012). "Legal challenges facing Iran and America over the Airbus case", Quarterly Journal of International Relations, 9-34. [In Persian]
- Abrahamian, Yervand (2012). "The Mordad 28th coup; the CIA organization and the roots of Iran-US relations in the modern era". Tehran: Ney Publishing, 36. [In Persian]
- Asadollahi, Masoud (1994). "Revival of capitulation and its consequences. Tehran: Islamic Propaganda Organization, 65 [In Persian]
- Bagheri, Dolatabadi (2004) "Libya's nuclear program: foreign reactions, withdrawal of the government and its consequences", Defense Policy, 12. [In Persian]
- Bayat, Mohsen (2015). "Economic globalization and the role of military threat in America's strategy for the effectiveness of sanctions on Iran", Political Quarterly, 32. [In Persian]
- Brzezinski, Zbigniew (2001) "Power and Principles: Memoirs of Brzezinski, National Security Adviser", Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Office, 23 [In Persian]
- Bullard, Reader; Claremont, Skrein (1984). "Camels must go" Tehran: New Publishing, 64 [In Persian]
- Chitforush, Sajjad; Eslami, Hamed (2017). "Comparative study of the categories of the international system From the perspective of Imam Khomeini (RA) and critical theory", State Studies of Contemporary Iran, 13-14. [In Persian]
- Fardoost, Hossein (1991). "The Rise and Fall of the Pahlavi Dynasty", Ettelaat, 23. [In Persian]
- Farsai, Shahram (2002). "Reports of the Office of Political and International Studies: Axis of Evil: A Comment on George W. Bush's New Approach", Journal of Events and Analysis, 43. [In Persian]
- Fatahi, Mohammad Ibrahim (2019). "The effect of the August 28 coup on strengthening the conspiracy mentality in Iran", Sharq, 1. [In Persian]

- Fazeli, Habibullah; Rajabi, Hadi (1401) "The institution that supports education and the fall of the second side in the framework of the new institutionalism approach", *State Studies Quarterly*, 88-120. [In Persian]
- Fierke, Karin (2007). "Critical Approaches to International Security", Cambridge: Polity Press, 43.
- Gharibabadi, Kazem (2008). "Iran's Nuclear Program: Basic Facts", Ministry of Foreign Affairs Publisher, 87. [In Persian]
- Ghazanfari, Kamran (2014). "Nuclear file and its visible and hidden dimensions", *Islamic Revolution Documents Center*, 92. [In Persian]
- Gaziorowski, Mark (2014). "Mossadegh and the Coup", *Qaseida Sera*, 56-67. [In Persian]
- Hashem, Seyyed Mohammad (2011). "Capturing the Spy's Nest", *Islamic Revolution Documents Center*, 48. [In Persian]
- Hall, peter (1986). "Governing the Economy: The Politics of State Intervention in Britain and France" Oxford: Oxford University Press, 76-81.
- Hoshang Mahdavi, Abdul Reza (2018). "Iran's foreign policy during the Pahlavi era", *Pikan*, 63. [In Persian]
- Kearney, Paul (2023). "Understanding public policy; Theories and problems", *Strategic Studies Research Institute*, 47. [In Persian]
- Khomeini, Ruhollah (1979) "Book of Imam Khomeini (RA)", Volume 4, Imam Khomeini Publication Institute, 78. [In Persian]
- Lowndes, Vivian; Marsh, David; Stoker, Jerry (2023). "Method and Theory in Political Science", *Strategic Studies Research Institute*, 98. [In Persian]
- Lowndes, vivien, and mark Roberts (2013) "Why Institutions Matter The New Institutionalism in Political Science" Macmillan Publishers, 64.
- Malmir, Ali (2022). "Ideological Representations in the Media: Examining the Reflection of JCPOA Developments in the Media after the US Withdrawal to Iran's Final Step in Reducing Commitments", *Political Sciences*, 34. [In Persian]
- Moulaigara, Mehdi; Razanhan, Firoz; Zahedi, Seyyed Mohammad; Moaidfar, Saeed (2019). "Measuring Iran's Administrative Culture: With an Institutional Approach", *Management and Development Process*, 103-81. [In Persian]

- Nakhai, Hadi (1997). "Agreement and Conflict of National Interests", Bureau of Political and International Studies, 67. [In Persian]
- Nouri Esfandiari, Fathullah (2012). "Reza Shah in the passage of history", Alborz, 54. [In Persian]
- Pourshasab, Abdul Ali; Motaghi, Ibrahim; Asadi, Tawheed (2023). "The role of the United States of America in the beginning, continuation and end of the war of the Baathist regime of Iraq against the Islamic Republic of Iran", Scientific Quarterly of Holy Defense Studies, 9-34. [In Persian]
- Rajabinia, Dawood (2010). "America, the Axis of Evil", Religion and Media, 56. [In Persian]
- Rouhani, Hassan (2012). "National Security and Nuclear Diplomacy" Tehran: Strategic Research Center, 12-89. [In Persian]
- Rostagari, Ali (2012). "The smell of English pilaf", Omid, 43. [In Persian]
- Salimi-Verandjani, Afshin (2023). "Explanation of the foreign policy requirements of the revolutionary government in the second step of the revolution based on the Quranic and narrative teachings with an approach to the guidelines of the Supreme", State Studies of Contemporary Iran, 163. [In Persian]
- Thiessen, Mark (2008) "An Island of Stability: The Islamic Revolution of Iran and the Dutch Opinion", Sidestone Press, 43.
- Vaezi, Hassan (2000). "Iran and America: A review of America's policies in Iran", Soroush, 83. [In Persian]
- Velayati, Ali Akbar (2004). "Islamic Culture and Civilization", Maarif, 76. [In Persian]
- Zarei, Arman (2013). "New sociological institutionalism; An Approach to Analysis of Stability and Change", Humanities Methodology, 165-193. [In Persian]
- Yusefvand, Ahmad Reza (2023). "The application of cognitive approach in the relations between Iran and Europe", Imam Sadegh University (AS)
- Zamani, Seyyed Ghasem (2005). "The performance of the Security Council in Iran's nuclear case: from referral to sanctions" Legal Researches, 35. [In Persian]

Websites

- BBC (2023). "A court in Iran sentenced American Dobet to pay 330 million dollars to the families of Nojeh victims", August, <https://www.bbc.com/persian/articles/clj04p741k8o>

- Deutsche Welle (2011). "Approval of Iran's Central Bank Sanction Plan in the US House of Representatives" October, <https://p.dw.com/p/13TGC>
- Euronews (2023) "The depth of Iran's new nuclear center is so deep that it will probably be safe from an American attack", May, <https://parsi.euronews.com/2023/05/22/iran-nuclear-facility-is-so-deep-that-us-airstrikes-likely-couldnot-reach-it-reportedly>
- Iranian diplomacy (2011). "The difference between capturing the American embassy and entering the British embassy", December, <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/18501>
- Garamone, Jim (2023). "U.S. Helps Israel Defend Against Hamas Attacks". October. <https://www.defense.gov/News/News-Stories/Article/Article/3551956/>
- Institute of Political Studies and Research (2021). "Examination of America's Role in Iraq's Imposed War Against Iran", <https://psri.ir/?id=blwum86mi9>
- Sharq newspaper (2020). "The effect of the August 28 coup on strengthening the conspiracy mentality in Iran", August, <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-819154>
- Sputnik (2018). "Trump: I withdrew from the JCPOA; Because Iran wanted to destroy Israel." April, <https://sputnik.af/20190407>
- Tasnim news agency (2023). "The two sides of America and Saddam's cooperation during the war; From the suspension of arms sales to Iran to the authorization of a chemical attack", October, <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1402/07/09/2963861>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی